

اعجاز قرآن

درس بیست و سوم

استاد : حجت الاسلام و المسلمین صادق نیا

آموزشیار : سرکار خانم حیدری

مقدمه :

پنجمین وجه از وجوه اعجاز بیانی، نمایش معنا در آوای حروف است . آیت الله معرفت در این وجه ، در صدد بیان این مساله است که واژه‌هایی که در قرآن به کار رفته اند، به نوعی معنا را نیز دربردارند. این واژه‌ها با دقتی فوق العاده انتخاب شده که حکایت از الهی بودن آن دارد. در این درس، ابتدا به تبیین این وجه و سپس به ذکر نمونه هایی از آیات می‌پردازیم.

تبیین وجه پنجم اعجاز :

یکی دیگر از شگفتی‌های نظم و زیبایی‌ها و نوآوری‌های سبک قرآن، این است که آوای حروف واژگان آن با معنایی که در جان مخاطب فرود می‌آید، متناسب است. گویا لفظ و معنا در رساندن مقصود بر یکدیگر پیشی می‌جویند و یکی بر گوش و دیگری بر دل فرود می‌آید. هنگامی که در مقام بزرگداشت و تکریم سخن می‌گویند، الفاظ، زیبا و نیکو است و زمانی که بیم می‌دهد و هراسناک سخن می‌گویند، واژگانش سهمگین است. این ویژگی در اکثر الفاظ قرآن، دیده می‌شود.

مثال‌هایی از قرآن :

۱. هنگامی که تهدید یا سرزنش می‌کند، یا از وقوع عذابی برای ظالمان خبر می‌دهد، در گوش، الفاظی طنین‌انداز می‌شود که دارای صوتی ناخجسته و پریشان است و کلام به واژه‌هایی سخت و سرزنش‌آمیز دگرگون می‌شود. برای مثال، هنگام تلاوت این آیه: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ * وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أُولَٰئِكَ نَعْمَ رُكَمًا يَتَذَكَّرُونَ فِيهِ مِنْ تَذَكَّرٍ وَجَاءَ كُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ»^۱ می‌توان تصویری از عذابی شدید که به سبب رهایی از آن طلب کمک می‌کنند را تصور کرد و آهنگ فریادی شدید و یکپارچه، از هر طرف و ازدحام صداهایی خشن برخاسته از گلوهایشان به تصویر کشیده شده، و در عین حال سایه‌ای از بی‌توجهی به آنها را نیز القا می‌کند.

۲. زمان شنیدن این آیه : «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ ۖ لِحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ * أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ»^۲ گویا صدای بادی ویرانگر به گوش می‌رسد که دارای زوزه و فریاد و نیز زیر و رو کننده‌ایست که همه چیز را

^۱. و آنان که کافر شدند عذاب ایشان آتش دوزخ است که نه حکم مرگ بر آلمان رود تا بمیرند و نه از عذابش کاسته شود (تا آسوده شوند). این گونه، هر کافر لجوجی را کیفر می‌کنیم. (۳۶) و آن کفار در آتش دوزخ فریاد و ناله کنند که ای پروردگار، ما را (از این عذاب) بیرون آور تا بر خلاف گذشته به اعمال نیک بپردازیم. (خطاب شود) آیا شما را به اندازه‌ای عمر ندادیم که هر که اهل تذکر و پند شنیدن است در این مدت متذکر شود (و به توبه پردازد)؟ و آیا بیم دهندگان بر شما نیامدند؟ پس (امروز) عذاب دوزخ را بچشید که ستمکاران را هیچ یار و نجات دهنده‌ای نخواهد بود. (۳۷). فاطر ۳۶-۳۷

^۲. داستان آنچه در این زندگی دنیا هزینه می‌کنند چون داستان بادی است با سرمایی سخت که به کشتزار گروهی که به خود ستم کرده‌اند برسد و آن را نابود کند ... آل عمران/۱۱۷.

درهم می‌کوبد و ویران می‌کند. این همه، وقوع عذابی شدید را برای ظالمان به تصویر می‌کشد. همچنین هنگامی که این آیه خوانده می‌شود: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ^۱» یا «وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ^۲» به نظر می‌رسد که عذابی واقع شده، و از شدت این لفظ، هنگام برخورد با پرده صماخ گوش و تکرار مضاعف آن، شدت عذاب به نمایش درمی‌آید.

۳. هنگام تلاوت این آیه: «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ * يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ - تَا آيَه - وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ * أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ^۳» وقوع فریاد هولناکی را می‌یابی که قلب‌ها را از حسرت گداخته و انسان را سرگشته می‌کند. ابن عباس می‌گوید: لفظ «صاخه» بیانگر صیحه قیامت است و از این رو صاخه نامیده شده که گوش انسان را خراش می‌دهد. همچنین در این آیه: «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى^۴»، طامة: نامی است برای حادثه بزرگی که نمی‌توان از آن پیش‌گیری کرد و بیانگر شدت عذاب است که لفظ مناسب آن انتخاب شده و حروف آنها نیز از نوع حروف «لین» و نرم نیست، بلکه دارای صفات شدت می‌باشد.

۴. تلاوت این آیات نیز: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا * وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا * وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى^۵» در هم کوبیده شدن زمین و صف به صف آمدن فرشتگان، گویا یک صحنه نظامی را همراه با صدای موسیقی منظم نظامی، تصویر کرده که برخاسته از چینش واژه‌ها در این آیه است.

^۱ ما بر هلاک آنها تند بادی در روز نحسی پایدار فرستادیم . (۱۹) که آن باد مردم را از جا بر می‌کند چنان که گویی آنها، ساقه‌های بی ریشه درخت خرما هستند . (۲۰) قمر ۱۹-۲۰

^۲ . و اما عاد، به بادی سرد و سخت و از حد گذشته هلاک شدند. الحاقه/۶

^۳ . پس چون آن بانگ هول‌انگیز [رستاخیز] بیاید (۳۳) روزی که آدمی از برادر خود می‌گریزد (۳۴) و از مادر و پدر خویش (۳۵) و از همسر و فرزندانش (۳۶) هر مردی از آنان را در آن روز کاری است که بدان می‌پردازد- کسی به دیگری نپردازد-. (۳۷) رویهائی در آن روز تابان و درخشان است (۳۸) خندان و شادمان. (۳۹) و رویهائی در آن روز بر آنها گرد نشسته است (۴۰) تیرگی و سیاهی آنها را فرو پوشد (۴۱) اینانند کافران بدکار گنه‌پیشه. (۴۲) عبس/۳۳-۴۲

^۴ . پس چون آن بلای سخت بزرگ- روز رستاخیز- بیاید. نازعات/۳۴

^۵ . و [فرمان] پروردگارت بیاید، و فرشتگان صف به صف بیایند * و در آن روز دوزخ آورده شود- هویدا گردد- در آن روز آدمی به یاد آرد- و به خود آید-، و به یاد آوردن کجا او را سود دهد؟ فجر/۲۲-۲۳

۵. نیز به این تشبیه بدیع بنگرید: «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ»^۱

لفظی که در این آیه سق و طی تند و سخت را تصویر می کند، «خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ» است. صدایی که از ترس سقوط ناگهانی نفس‌ها را بریده و در گلو حبس می کند. پس از آن پرندگان او را می ربایند و شکارش می کنند یا باد او را به مکانی دور می افکند.

۶. «لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ»^۲ ضریع غذایی است که: «لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ»^۳ گرسنگی را برطرف نمی کند.

راغب در معنای آن می گوید: گیاهی سرخ‌رنگ و بدبو است که حتی شتران از آن نمی خورند و آن را در دریا می اندازند. پیش از آن که دلالت وضعی این واژه را بدانیم، این آهنگ سخت و سنگین، بر خواری حالت خورنده آن دلالت دارد.

۷. «وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسْلِينٍ»^۴ غسلین در این آیه به معنای زردآب‌هایی است که از بدن دوزخیان خارج می شود، در

ترکیب این لفظ آلودگی موجود در معنای آن، در گوش شنیده می شود و طبع انسانی را متنفر می کند.

۱. و هر که برای خدا انباز گیرد، چنان است که از آسمان فرو افتد پس مرغان او را برابند، یا باد او را در جایی دور اندازد. حج/۳۱

۲. آنها را هیچ خوردنی نیست، مگر خار درشت تلخ- که هیچ چارپایی نمی خورد. غاشیه/۶

۳. که نه فربه می کند و نه از گرسنگی سودی دهد- گرسنگی را از میان نمی برد. غاشیه/۷

۴. و نه طعامی مگر از زردابه- چرک و خونی که از تن دوزخیان می آید. حاقه/۳۶

۱. وجه پنجم از وجوه اعجاز بیانی در دیدگاه آیت الله معرفت، نمایش معنا در آوای حروف است.
۲. واژه‌های قرآنی آنگاه که در صدد بیان امری هولناک هستند، در آوای حروف آن نیز این مساله نشان داده می‌شود.
۳. نمونه‌هایی از نمایش معنا در آوای حروف، در مثالهای زیر نمودار است :
واژه‌هایی چون غسلین و ضریع، بیانگر نوعی سختی و نفرت است.
تعبیر «خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ» سقوطی تند و شدید را به تصویر کشیده است.
این آیات: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا * وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا»، گویا یک صحنه نظامی را همراه با صدای موسیقی منظم نظامی، تصویر می‌کند (که این تصویر سازی برخاسته از چینش واژه‌ها در این آیه است).
«طامة» بیانگر حادثه سختی است که نمی‌توان از آن پیش‌گیری کرد و حروف سخت این کلمه نیز پلان‌کننده شدت سختی این روز (یعنی قیامت) است.